



پیش‌ها و پانچ‌ها

پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر منصوب‌ها شیخ خیرالدین حفظه الله تعالی

موضوع:

احکام؛ پوشش و آرایش

بسم الله الرحمن الرحيم

پرسش

نویسنده: رضا راضی

تاریخ: ۱۳۹۴/۱۱/۱۱

لباس روحانیت از چه زمانی باب شد؟ آیا ریشه‌ی دینی دارد؟

پاسخ

تاریخ: ۱۳۹۴/۱۱/۱۵

در اسلام لباس مخصوصی برای عالمان مسلمان پیشبینی نشده، بل از پوشیدن لباس شهرت که سبب تمایز مسلمانی از مسلمانان دیگر می‌شود، نهی شده و با این وصف، پوشیدن چنین لباسی برای عالمان مسلمان به قصد شهرت و تمایز، مکروه است؛ چنانکه یکی از یارانمان ما را خبر داد، گفت:

«كُنَّا مَعَ الْمَنْصُورِ الْهَاشِمِيِّ الْخُرَاسَانِيِّ فِي مَسْجِدٍ فَأَقْبَلَ عَلَيْنَا وَقَالَ: لَا تَلْبَسُوا لِبَاسَ الشُّهْرَةِ فَيَأْخُذَكُمُ الْخِيَلَاءُ فَيُخَيِّطُ أَعْمَالَكُمْ! فَمَا لَبِثَ أَنْ دَخَلَ رَجُلٌ عَلَيْهِ الْعَادَةُ، فَقَالَ: هَذَا مِنْ لِبَاسِ الشُّهْرَةِ»^۱؛ «به همراه منصور هاشمی خراسانی در مسجدی بودیم، پس روی به ما کرد و فرمود: لباس شهرت نپوشید که شما را خودبزرگ‌بینی می‌گیرد، پس اعمالتان را نابود می‌کند! پس چیزی نگذشت که مردی با لباس روحانیت وارد شد، پس آن جناب فرمود: این از لباس شهرت است!».

وانگهی «عمامه» که مهم‌ترین جزء «لباس روحانیت» است، توسط اسلام سنت نشده و مشخصه‌ی پیامبر، صحابه و اهل بیت او نبوده، بلکه از قبل اسلام در میان اعراب رواج داشته و یک پوشش عرفی به شمار می‌رفته است؛ همچنانکه اکنون در مناطقی از جهان مانند خاور میانه، شمال آفریقا و جنوب آسیا و کشورهایی مانند هندوستان میان عامه‌ی مردم و حتی سیک‌ها و هندوها متعارف است و با این وصف، استفاده از آن در این سرزمین‌ها سبب شهرت و تمایز

۱. گفتار ۸۱، فقره‌ی ۱

نمی‌شود و تبعاً اشکالی ندارد، ولی استفاده از آن در سرزمین‌هایی که عامه‌ی مردم از آن استفاده نمی‌کنند و تبعاً سبب شهرت و تمایز می‌شود، بر خلاف اخلاق اسلامی است و کاری تکلف‌آمیز و خودبزرگ‌بینانه محسوب می‌شود. به همین دلیل، حضرت علامه منصور هاشمی خراسانی حفظه الله تعالی، با آنکه از عالمان بزرگ اسلام، بلکه بزرگ‌ترین عالم مسلمان بدون منازع است، اهتمامی به استفاده از «عمامه» یا لباس موسوم به «لباس روحانیت» ندارد؛ چنانکه یکی از یارانمان ما را خبر داد، گفت:

«كَانَ الْمَنْصُورُ يَلْبِسُ أَكْثَرَ مَا يَلْبِسُ قَمِيصًا أَبْيَضَ وَقَلَنْسُوءَ سَوْدَاءَ أَوْ بَيْضَاءَ وَلَا يَلْبِسُ لِبَاسَ الْعَادَةِ فَخَرَجْتُ يَوْمًا مِنْ عِنْدِهِ وَمَعِيَ رَجُلٌ مِنْ أَصْحَابِنَا، فَوَجَدْتُهُ سَاخِطًا، فَقُلْتُ لَهُ: مَا لَكَ؟! فَقَالَ: هَذَا سَيِّدُ الْعُلَمَاءِ وَرَئِيسُ الْمُجْتَهِدِينَ وَلَا يَلْبِسُ لِبَاسَهُمْ!! قُلْتُ: وَحِكْمُ! لَا يَقْلُدُهُمْ وَمِنْ خُشُوعِهِ لَا يَلْبِسُ وَتَوَاضُّعِهِ! قَالَ: لَا وَاللَّهِ لَا يُحْسِنُ وَلَا يُجَمِّلُ! قُلْتُ: وَجْهِي مِنْ وَجْهِكَ حَرَامٌ حَتَّى أُخْبِرَهُ بِمَا قُلْتُ! فَرَجَعْتُ إِلَى الْمَنْصُورِ فَأَخْبَرْتُهُ بِقَوْلِهِ، فَقَالَ: أُخْبِرُهُ بِأَنَّهُ فِتْنَةٌ لِلنَّاسِ ﴿وَلِبَاسُ التَّقْوَى ذَلِكَ خَيْرٌ﴾ ذَلِكَ مِنْ آيَاتِ اللَّهِ لَعَلَّهُمْ يَذَّكَّرُونَ»^۱؛ «منصور در بیشتر مواقع پیراهنی سپید و عرق‌چینی سیاه یا سپید می‌پوشید و لباس روحانیت بر تن نمی‌کرد، پس روزی از محضر آن جناب بیرون آمدم در حالی که مردی از یارانمان به همراه من بود، پس او را خشمگین یافتم، پس به او گفتم: تو را چه می‌شود؟! گفت: این سید عالمان و رئیس مجتهدان است و لباس آنان را بر تن نمی‌کند!! گفتم: وای بر تو! از آنان تقلید نمی‌کند و از خشوع و تواضع اوست که آن را بر تن نمی‌کند! گفت: نه به خدا قسم، کار خوب و زیبایی انجام نمی‌دهد! گفتم: دیدار من و تو با هم حرام است تا آن گاه که سخن تو را به اطلاع او برسانم! پس به نزد آن جناب بازگشتم و سخن او را به اطلاع آن جناب رساندم، پس فرمود: او را خبر بده که آن فتنه‌ای برای مردم است > و لباس تقوا آن بهتر است، آن از آیات خداوند است باشد که آنان متذکر شوند<!!».

آری، بی‌گمان لباسی که مسلمانان را به دو دسته تقسیم کرده و یکی را بنده‌ی دیگری ساخته و به سوی سرسپردگی و تقلید کورکورانه از آن سوق داده، فتنه‌ای برای آنان است. لباسی که به بتی برای مسلمانان تبدیل شده و پوششی برای فریب و ابزاری برای استضعاف آنان است، جز فتنه‌ای برای آنان نیست. اما لباس منصور هاشمی خراسانی، از جنسی دیگر است؛ لباس او، لباس تقواست؛ لباسی که از تار علم و پود عمل بافته شده و از چرک ریا و چروک خودبزرگ‌بینی پاکیزه است؛ لباسی که زیبایی‌اش از مال و سلاح و شمار او نگرفته؛ چراکه او را مال و سلاح و شماری نیست،

۱. الأعراف / ۲۶

۲. گفتار ۸۱، فقره‌ی ۲

بلکه از تجلی ملکوت و انعکاس دین خالص در راه و روش و آرمان او گرفته و به قدری باصفا و مشعشع است که در پس هزاران حجاب دروغ و تهمت و توهین دشمنانش، نمایان و خیره کننده است؛ مانند شعله‌ای فروزان در چراغی تابان که در شیشه‌ای شفاف قرار دارد و شیشه‌ی شفاف گویی ستاره‌ای درخشان است که از درخت مبارک زیتون که نه شرقی و نه غربی است مایه گرفته، تا حدی که نزدیک است روغن آن شعله‌ور شود بدون اینکه آتشی آن را لمس کند؛ ﴿نُورٌ عَلَى نُورٍ يَهْدِي اللَّهُ لِنُورِهِ مَنْ يَشَاءُ وَيَضْرِبُ اللَّهُ الْأَمْثَالَ لِلنَّاسِ وَاللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ﴾^۱.



تاریخ: ۱۳۹۵/۱۰/۱۴

نویسنده: مهدی

پرسش فرعی ۱

ما در جامعه در مواقع لزوم برای مراجعه به افراد نیازمند شناسایی آن‌ها از طریق پوشش هستیم، مثلاً زمانی که از ما سرقت می‌شود با توجه به لباس مأمورین انتظامی فوراً به آن‌ها رجوع کرده و اعلام سرقت می‌کنیم. حال اگر سوال شرعی داشتیم چگونه افرادی که تحصیلات حوزوی داشته و در این امور متخصص هستند را شناسایی کنیم؟ البته صرفاً من باب پرسش نه تقلید؛ چون علامه فرمودند لباس روحانیت لباس شهرت است و اینکه آیا تفکیک لباس پزشکان، پرستاران و نیروی خدماتی هم لباس شهرت است؟

تاریخ: ۱۳۹۵/۱۰/۱۷

پاسخ به پرسش فرعی ۱

لطفاً به نکات زیر توجه فرمایید:

۱. قیاس لباس عالمان به دین با لباس پلیس‌ها، پزشک‌ها، پرستارها و نیروهای خدماتی، قیاسی مع الفارق است که از قیاس علم به عقاید و احکام دین با علم به موضوعات عرفی و عادی برخاسته است، در حالی که علم به عقاید و احکام دین -بر خلاف علم به موضوعات عرفی و عادی- بر هر مسلمانی واجب است و انحصار آن در یک طبقه‌ی خاص جایز نیست تا نیازی به تمایز داشته باشد.^۲

۲. مراجعه به هر کسی که لباس روحانیت بر تن دارد، مصداق سفاهت است؛ زیرا هر کسی

۱. التَّوْر / ۳۵

۲. در این باره بنگرید به: نقد و بررسی ۲۸.



که لباس روحانیت بر تن دارد، لزوماً عالم به دین نیست، بلکه بیشتر آنان یا طلبه‌های کم‌سواد و روضه‌خوان‌های دوره‌گرد هستند و یا شیاطین اغواگری که حمایت از طواغیت را تکلیف نخست و رسالت اصلی خود در جامعه می‌پندارند و از هر فرصتی برای فریفتن مردم و بازداشتنشان از راه خداوند استفاده می‌کنند؛ فارغ از آنکه عموماً بر مبنای تقلید از مراجع مختلف پاسخ می‌دهند و دلایلی کافی برای چیزی که می‌گویند به همراه ندارند. با این وصف، کسی که پرسشی درباره‌ی عقاید و احکام دین دارد، باید به عالمی شناخته شده به اجتهاد، تقوا و استقلال از حاکمان مراجعه کند و از او بخواهد که پاسخ او را با دلایل کافی از کتاب خداوند و سنت متواتر و عقل سلیم بدهد و چنین عالمی با لباس روحانیت شناخته نمی‌شود، بلکه با آثار و مجالس علمی در بیت یا مدرسه‌اش شناخته می‌شود و نیازی به لباس روحانیت ندارد.

۳. همه‌ی کارهایی که به دین پیوند می‌یابند، باید از دین برخاسته باشند و لباس عالمان به دین -از آن حیث که عالمان به دین هستند- به دین پیوند می‌یابد، در حالی که از آن برنخاسته است؛ چراکه آن علم به دین را بر عهده‌ی همه‌ی مسلمانان دانسته و لباس ویژه‌ای برای اهل آن تعریف نکرده و از لباس شهرت بازداشته است و با این وصف، اتخاذ چنین لباسی «بدعت» محسوب می‌شود؛ خصوصاً با توجه به اینکه پیامبر و اهل بیت او و بسیاری از صحابه و تابعین و اتباع تابعین، عالمان به دین بودند، ولی هیچ یک لباس ویژه‌ای برای تمایز از دیگران اتخاذ نکردند^۱، تا جایی که روایت شده است گاهی کسی به مجلس پیامبر وارد می‌شد، ولی او را از دیگران باز نمی‌شناخت، تا اینکه می‌پرسید: «أَنْتُمْ مُحَمَّدٌ؟» «کدام یک از شما محمد است؟!»، در حالی که اگر تمایز عالمان به دین از دیگران با لباسی ویژه ضرورت داشت، قطعاً آن حضرت به آن سزاوارتر بود و از آن فروگذار نمی‌کرد.

۴. پوشیدن لباسی که سبب تمایز مسلمانان از مسلمانان دیگر می‌شود -مانند هر کار ناپسندی- در موارد ضرورت اشکالی ندارد، مانند لباس اهل رزم و لباس کسانی که کارهای سخت و خطرناک انجام می‌دهند و به لباس مناسبی نیاز دارند؛ به دلیل عموم سخن خداوند که فرموده است: «يُرِيدُ اللَّهُ بِكُمْ الْيُسْرَ وَلَا يُرِيدُ بِكُمُ الْعُسْرَ»^۲؛ «خداوند برای شما آسانی می‌خواهد و برای شما سختی نمی‌خواهد» و فرموده است: «مَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيَجْعَلَ عَلَيْكُمْ مِنْ حَرَجٍ»^۳؛ «خداوند نمی‌خواهد که

۱. بنگرید به: گفتار ۸۱، فقره‌ی سوم.

۲. بنگرید به: فتوح الشام للواقدي، ج ۱، ص ۲۸۷؛ مسند أحمد، ج ۳، ص ۱۶۸، ج ۵، ص ۶۴؛ صحيح البخاري، ج ۱، ص ۲۳؛ سنن ابن ماجه، ج ۱، ص ۴۴۹؛ سنن أبي داود، ج ۱، ص ۱۱۷؛ سنن النسائي، ج ۴، ص ۱۲۲؛ السنن الكبرى للبيهقي، ج ۲، ص ۴۴۴؛ أسد الغابة لابن الأثير، ج ۲، ص ۶۳؛ سبل الهدى والرشاد للصالحي الشامي، ج ۶، ص ۳۵۳؛ الصحيح من سيرة النبي الأعظم للعالمي، ج ۲۸، ص ۲۰۹.

۳. البقرة / ۱۸۵

۴. المائدة / ۶

برای شما در دین تنگنایی قرار دهد»، بل در موارد مصلحت که تمایز مسلمانی از مسلمانان دیگر به آنان منفعتی عقلایی و مشروع می‌رساند نیز بخشوده است؛ مانند لباس پلیس‌ها، پزشک‌ها و پرستارها؛ به دلیل عموم سخن خداوند که فرموده است: «مَا عَلَى الْمُحْسِنِينَ مِنْ سَبِيلٍ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ»؛ «بر نیکوکاران راهی (به مؤاخذه) نیست و خداوند آمرزنده‌ای مهربان است»، ولی در موارد دیگر که ضرورت یا مصلحتی ندارد، جایز نیست، مانند لباس عالمان به دین که عدم ضرورت و مصلحت آن، بلکه زیانبار بودنش تبیین شد؛ خصوصاً با توجه به اینکه کارهای عرفی و عادی - بر خلاف علم به دین - از سویی در پیوند با دین انجام نمی‌شوند و از سوی دیگر بر همه‌ی مسلمانان واجب نیستند و با این وصف، می‌توانند به هر نحوی که متعارف است انجام شوند.



پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر منصوب‌هاشمی خراسانی
مجلسین با حکم‌های و دستورها

